



صفحه ۷
۱۷ آذر ۱۴۰۳
شماره ۱۳۱

این قدر خ نیست!



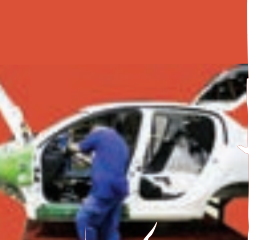
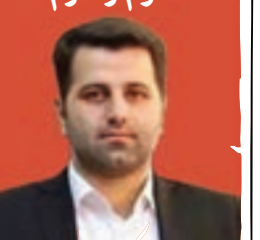
● عزیزم چرا پیامم رو پاسخ ندادی؟ از صبح نگرانتم. نکنه وی پی ان ت وصل نمی شه؟!
● نه عزیزم، وی پی ان چیه! اینترنت ما عاشقا که فیلتر نیست! پای میز توالت داشتم آرایش می کردم، گوشی م رو نیگا نکردم.
● تو که نیاز به آرایش نداری خوشگلم! عکس توی خینستا می داری، می آد توی اکسپلورر، اصلا گاهی من غیرتی می شم!
● آره واقعا. اینستا هم دیگه شورش رو درآورده. بد نیست به کم فیلترش کنن، نه!
● نه بابا، مگه آزادی چشه؟! این رو هم فیلتر کنن، دل بندیم به خیلان خاسک و اینترنت خستار خینک خفاشا؟!
● اصلا من خودم گاهی خسته می شم از اینترنت آزاد. از خینستا به خوتیوب، از خوتیوب به خیکس! همه جاکامنت می دارن و پیام می دن که عکس بذار از خودت.
● عکس بذار ولی نه دیگه اون جورى.
● مگه فضا باز نشده؟!
● فکر نکنم. این قدر هم دیگه فضا رو باز نمی کنن! حتی به فارسی سخت!
● آره، واقعا عزیزم. ما که این مایندیم هم با این قدر آزادی راحت نیستیم!
● اصلا به خاطر همین روزامی تمرگیم توی خونه و شبامی ریم دوردور! بیست و چار ساعت که نمی شه آزاد بود!
● ولی چه فایده که توی خونه حواست به من نیست؟! همه ش چسبیدی به لبه سپر جلوی ماشینمون و مشغول بررسی کردن روغن ریزی ماشین توی حیاط

● خونه ای!
● نه عزیزم، من فابریکم این جوریه! ولی همون جاهم دارم به ریخت تو فکر می کنم! تو کلا توی مخ منی!
● خونه هم که می آی، می شینی پای خلوزیون!
● خب خوبی ش اینه که حوصله مون سر نمی ره. برنامه خانواده، ساعت خوش، خودرو تهران ۱۱، کارتون خپل و خبر ساعت ۲۱ خیلی خفنه!
● راستش رو به من بگو.
● دارم راستش رو می گم. فقط همینا خیلی خفن و خاصن. خوراک خودمه.
● نه، راستش رو بگو؛ پول کم آوردی، رفتی اسپانسرگرفتی برای ستون؟!
● چیزه... ولی خیلی نیست. خب راستش می خوام هم خودرو ثبت نام کنم، هم نمادهای خ بازار بورس به کف خودش رسیده، می خوام بخرم!
● نه، تو از دو جا اسپانسرگرفتی! هم از خلوزیون و هم از فرهنگستان زبان فارسی با این همه واج آرایشی توی جمله ت! در زبان خارسی کهن هم این قدر خ نیست!
● نگو خوشگم، تو خیلی خیلی خیلی خوبی!
● همچنان در حال تبلیغ اسپانسرى! خر خودتی!

مصطفی میرسلیم:

من از وسایل نقلیه عمومی استفاده نمی کنم، چون باید سر وقت برسم

(خبر آنلاین)

رضا پهلوی: من از عقلم استفاده نمی کنم، چون اجدادم هم استفاده نمی کردند. وراضی بودند. 	قلعه نویی: من از تاکتیک ماکتیک در تیمم استفاده نمی کنم، چون باید حریف را گیج کنیم. 	محمد حسین مهدویان: من برای ساخت «زخم کاری» از فیلم نامه استفاده نمی کنم، چون همه قرار است در سریال بمبیرند. چه کاریه؟! 	یک خودرو ساز: من از خودروهای تولیدی خودمان استفاده نمی کنم، چون می خواهیم زنده بمانیم. 	حسن مجیدی، داماد پزشکیان: من از موقعیت پدرزنم استفاده نمی کنم، چون خودم شایستگی های لازم را دارم. 
--	--	--	--	---